

« ایزوتسو » و باز شناخت تطبیقی مفهوم ایمان

پروفیسور توشی هیگو ایزوتسو استاد فلسفه دانشگاه مک گیل و همچنین استاد ممتاز در دانشگاه «کیو» ژاپن بود. وی ابتدا متون فلسفی لاتین و یونانی را تدریس می کرد. سپس در خلال تدریس مباحث علم زبانشناسی و معناشناسی به تحصیل زبان عربی پرداخت. هم او بود که برای نخستین بار قرآن را از زبان عربی به ژاپنی ترجمه کرد. اگر چه پیش از آن سه ترجمه از قرآن، از زبان انگلیسی به ژاپنی انجام یافته بود. او با آثار غزالی و ابن سینا آشنا بود و «نجات» ابن سینا و «الاقتصاد فی الاعتقاد» غزالی را در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل تدریس می کرد. از این محقق سرشناس آثار متعددی در ارتباط با فرهنگ و فلسفه اسلامی و همچنین کلام شیعی و بویژه کتابهایی درباره زبانشناسی و معناشناسی به انگلیسی بر جای مانده است.

مؤلف در پی چیست؟

بی گمان ایزوتسو در پی نوعی تفسیر و تاویل آیات و داده های قرآنی است. اما او می خواهد به قول خودش کاری کند که قرآن مجید، خود از زبان خود سخن بگوید و ترجمان احوال و مفاهیم خود باشد. برای این کار او روش تجزیه و تحلیل زبانشناسانه ای را که اتخاذ کرده بر مفاهیم قرآن عرضه می کند. تفسیر و تاویل قرآنی با روشی متفاوت از آنچه تفاسیر گذشته بر آن مبتنی است. روش متخذ ایزوتسو تعریف خاص خودش را داراست و او در مقدمه و فصل اول کتاب به تبیین و توضیح آن می پردازد و دلایل اتخاذ چنین روشی را بیان می کند.

روش ایزوتسو

به عنوان مقدمه توضیح روش، ایزوتسو بررسی و تحقیق از راه بررسی مفاهیم ترجمه ای را به شدت رد می کند و آن را برای محقق خطری بزرگ نام می نهد. او معتقد است که چنین کاری به احتمال بسیار زیاد منجر به نظریه های اشتباه آمیز درباره ماهیت اخلاق - در حیطه مورد نظر و در اینجا مفاهیم قرآنی - می شود به نظر او ترجمه رسا و درست یک واژه یا عبارت به واژه ای کاملاً معادلش در زبان دیگر بسیار دشوار و حتی غیر ممکن است و اصلاً بسیاری از واژه ها دارای بار معنای خاص خود هستند که مبتنی بر فرهنگ و تاریخ و همه محتویات متعلق به قومی است که آن زبان و واژه

را استعمال می کنند و انتقال این بار معنایی به واژه ای مثلاً معادل آن در فرهنگ و زبان دیگر غیر ممکن است به اعتقاد او همه اصطلاحات عمده و کلیه قرآن چنین خاصیتی دارند و از این واقعیت پیروی می کنند.

مثلاً درباره واژه «کفر» که در انگلیسی بیشتر اوقات به «disbelief» ترجمه می شود، می گوید تمام دید ذهنی نهفته در ساخت معنایی لغت «کفر» وقتی که بخواهیم آن را در قالب لغت انگلیسی «disbelief» بفهمیم از بین رفته است.

به طور خلاصه مفاهیم ترجمه ای را اگر چه ایزوتسو برای شروع کار تحقیق و به عنوان کمک کننده به محقق رد نمی کند اما آنها را بیشتر از معادلهایی جزئی برای واژه مورد تحقیق، نمی داند و بنابراین مبتنی کردن بحث و بررسی ساختمان جهان بینی اخلاقی یک قوم و فرهنگ بر آن کاری غیر ممکن و نادرست است.

از همین جا است که او بر بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق علمی بر روی خود مفاهیم اصلی متمرکز می شود.

ایزوتسو همچنین زاویه نگاه خود را به قوانین اخلاقی مشخص می کند. او افراط در نسبیت گرایی تاریخی را رد می کند.

همچنین با نوول اسمیت تا آنجا که از قوانین اخلاقی به صورت کلی و انتزاعی سخن می گوید و بین آنها - سیستمهای اخلاقی در فرهنگهای مختلف - در نکته هایی عمده و اصولی شان تفاوتی نمی بیند، بی همراهی نیست اما ضمناً معتقد به اختلافات بنیادی در امور اخلاقی است؛ آنجا که قوانین اخلاقی در نسبت با تجربیات تجربی و علمی قرار می گیرد.

به نظر او در میان واقعیات عینی زندگی انسان در هر اجتماع خاص است که محتوای معنایی اصطلاحات اخلاقی خاص آن اجتماع شکل می‌گیرد در هر حال او در مسائل اخلاقی به تکرار معتقد است. به طور مثال او می‌گوید وقتی مفهوم نیکی کردن و مصادیق آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند در نتیجه ساخت معنایی واژه نیک در هر مورد فرق خواهد کرد. ایزوتسو می‌گوید ما حتی وقتی متنی را به زبان اصلی می‌خوانیم ناخودآگاه مفاهیمی را که زبان مادری به ما القا می‌کند بر آن بار می‌کنیم و این یعنی اینکه در حقیقت ما متن اصلی را در قالب ترجمه می‌فهمیم به همین دلیل است که او می‌خواهد در تحقیق خود و بررسی واقعیت مورد نظر یک عینیت‌گرایی محض باشد. «نظریه معنایی» که مبنای ساختمان کلی کتاب است به تصریح خود ایزوتسو از آن او نیست این نظریه که مبتنی بر نوع خاصی از معناشناسی با علم دلالت است، ساخته و پرداخته پروفیسور وایسگر آلمانی است این نظریه همچنین در مباحث عمده و اصلی‌اش با نظریه زبان‌شناسی قومی که به بررسی روابط متقابل میان الگوهای زبانی و الگوهای فرهنگی می‌پردازد و آنرا «ادوارد سیر» زبان‌شناس و مردم‌شناس امریکایی در اواخر عمر خود بنیان گذاشته مطابقت بسیار دارد.

توضیح نظریه با یک مثال

واژه «هرزه گیاه - Weed» را فرهنگهای لغت چنین معنا کرده‌اند: «گیاهی وحشی که ناخواسته در هر جایی بروید» ایزوتسو چنین استدلال می‌کند که در عالم واقع عینی یعنی در طبیعت چیزی به عنوان گیاه نامطلوب و ناخواسته وجود ندارد و بنابراین نتیجه می‌گیرد که چنین توصیفی تنها از دیدگاه انسان وجود دارد و این انسان است که با نگاه به اشیاء بی‌نهایت پیچیده طبیعت آنها را دسته‌بندی و رده‌بندی کرده و بر پایه مقاصد و اهدافش به آنها ارزشهای مختلف می‌دهد.

بنابراین بر خلاف تصور ساده‌انگاران «شعور عام» مبنی بر وجود رابطه‌ی مستقیم میان واژه‌ها و اشیاء عالم خارج، یک فرآیند خاص ذهنی میان واقعیت و زبان دست به نوعی پردازش و پیرایش مواد داده شده در جهت و راستای خاص می‌زند و همین قلمرو خاص معناست.

نیز تجربه‌ی آئی و بلاواسطه از واقعیت بالذات یک کل نامتبوع و یکپارچه است و این ذهن انسان است که این کل بسیط همگن یک عده صورتهای جدا و منفرد می‌سازد که همان واژگان زبان است. و این از نظر تعداد و ماهیت از قومی به قوم دیگر و در تاریخ یک قوم از زمانی به زمان دیگر تفاوت می‌کند. بنابراین واژگان غنی زبان عربی نشان می‌دهد که صاحبان آن واحدهای مجزا و متمایز بیشتری از کل واقعیت جدا ساخته‌اند.

و البته هر جامعه‌ای راه و روشی ویژه خود برای این «جداسازی» دارد که خاص همان جامعه است. این واحدها و اجزاء در میان خود یک سیستم منظم را بوجود می‌آورند. شیوه ترکیب و ارتباط این

اجزاء با یکدیگر کمتر از طبیعت و ماهیت خود آنها خاص آن جامعه بخصوص نیست.

«واژگان» ساختمانی چند لایه دارد که شامل واژگانهای فرعی است و شبکه مفاهیم تشکّل از اصطلاحات اخلاقی یکی از این واژگانهای فرعی نسبتاً مستقل به شمار می‌آید.

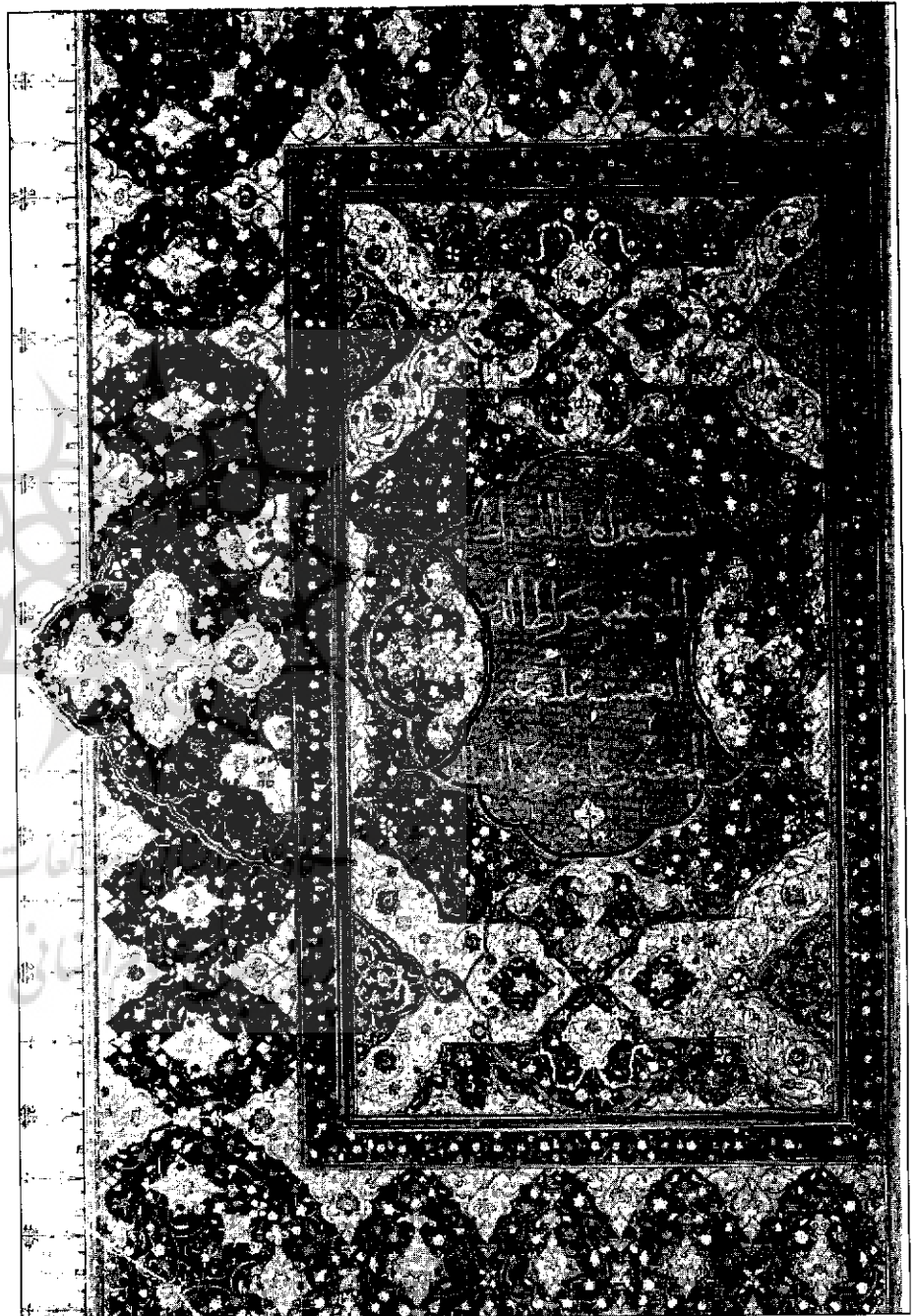
هر فرهنگی دارای تعدادی الگوهای سنتی برای ارزشیابی‌های اخلاقی است که در طول تاریخ در قالب اصطلاحات اخلاقی تبلور یافته‌اند و بنابراین به نظر ایزوتسو بهترین راه برای تجزیه و تحلیل ساخت بنیادی چنین حوزه معنایی سعی در پاسخ به این پرسش است که چه ویژگیهای محیطی و یا متنی لازم است که واژه‌ای بتواند دقیقاً برای بیان و توصیف رویداد معینی بکار رود و این مستلزم مورد مذاقّه قراردادن همه موارد کاربرد حقیقی اصطلاحات اخلاقی - دینی و تجزیه و تحلیل بافتهای زبانی و موقعیتی است. ایزوتسو در این طریق خود را چون مردم‌شناسی می‌داند که با زبانهای کاملاً ناشناخته روبرو شده - که البته در مورد زبان عربی هرگز چنین نیست و از این جهت دست او پیش تواند بود. یا همچون کودکی که می‌خواهد زبان مادری‌اش را فرا گیرد.

دامنه و کانون بررسی

به اعتقاد ایزوتسو سه مقوله‌ای متفاوت از مفاهیم اخلاقی در قرآن مجید هست یکی مقوله‌ای درباره طبیعت خداوند است و آن را توصیف می‌کند گروه دوم با رابطه اخلاقی میان انسان و خدا سر و کار دارد و گروه سوم مربوط است به بینش اخلاقی فرد نسبت به افراد دیگر جامعه‌ای که در آن می‌زید. آنچه در این کتاب موضوع بررسی و مورد توجه است مقوله دوم از مفاهیم اخلاقی قرآن مجید است که ایزوتسو به آن مفاهیم اخلاقی - دینی اطلاق می‌کند توضیح آنکه وقتی می‌گوییم انسان باید در پاسخ به خواست و اراده باریتمالی رفتاری مطابق اوامر و نواهی او داشته باشد هم تعلیم دینی افاده کرده‌ایم و هم تعلیم اخلاقی چه خداوند را طبیعتی اخلاقی است و رفتارش با انسان نیز از طریق اخلاق است. بنابراین انسان نیز می‌بایست به سهم خویش واکنشی اخلاقی داشته باشد. و اما دامنه بررسی برشی از تاریخ عربستان است؛ از دوران شرک پیش از اسلام تا نخستین روزهای ظهور و این از آنروست که بررسی این دوره عالی‌ترین مواد و اسناد مطالعه و بررسی تولد و رشد یک قانون‌نامه اخلاقی را در دسترس می‌نهد ایزوتسو می‌گوید:

زبان اخلاقی قرآن

ساز و کار واقعی زبان اخلاقی قرآن آن است که در سطح اول اصطلاحات اخلاقی عمل می‌کند اگر چه واژه‌هایی متعلق به سطح فرازبان نیز در قرآن آمده‌اند اصطلاحات سطح اول، واژه‌هایی توصیفی هستند. دارای قدرت ارزش دهی اخلاقی که عموماً کم و بیش با الزامات اخلاقی جدی بکار می‌روند و واژه‌هایی متعلق به فرا زبان اخلاقی واژه‌هایی صرفاً ارزشی‌اند که نقش اصلی



آنها طبقه‌بندی کردن خواص توصیفی است و تشکیل یک فرا زبان سیستماتیک اخلاقی در اسلام کار علم فقه در قرون اولیه پیدایش آن است (واجب، مستحب مکروه، مباح و...)

مفاهیم اخلاقی قرآن مجید

به اعتقاد ایزوتسو هفت مورد است که هر کدام به وجهی

تجزیه و تحلیل کفر

ایزوتسو تجزیه و تحلیل مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن

موجب می‌شود که آیه یا عبارت قرآنی برای روش تجزیه و تحلیل معنایی اهمیت یابد:

۱- اول آنکه معنای دقیق یک واژه به طور عینی و از روی بافت عبارت قرآنی از راه توصیف لفظی روشن می‌شود.

۲- ارزش واژه‌های مترادف در تجزیه و تحلیل معنایی است.

۳- مواردی که ساخت معنایی یک واژه و اصطلاح از روی

متضاد آن معلوم می‌شود.

۴- مواردی که در آن ساخت معنایی یک واژه مبهم مثل X از

روی صورت منفی آن (X- نیست) روشن می‌شود و این البته

علی‌الغلب نتیجه بخش نیست و دلیل آن هم روشن است.

۵- بررسی مجموعه‌ای از روابط معنایی در میان دسته‌های

مختلف واژه‌های یک زبان که به آن حوزه یا میدان معنایی گفته

می‌شود و مثال روشن برای آن واژه‌های «باد» و «دمیدن» و

«وزیدن» در فارسی است.

۶- گاهی موازنه ساختمان دستوری یا مترادف عبارات که از

صنایع بلاغی است وجود یک رابطه معنایی را در میان دو واژه

برملا می‌کند.

۷- واژه‌ها و اصطلاحات اخلاقی عمده در قرآن مجید عموماً

دریافته‌هایی که اهمیت ژرف مذهبی دارند بکار می‌روند. اما گاه به چشم

می‌خورد که همین واژه‌ها حتی در محدوده قرآن در بافتهای غیر دینی

استعمال می‌شوند و از اینجا جنبه کاملاً مادی و ناسوتی آنها آشکار

می‌گردد مثال نیکو این موارد در سوره‌های یوسف به چشم می‌خورد.

از نظر ایزوتسو در جهان بینی قرآنی همه صفات و سجایای

انسانی به دو مقوله‌ای که تضاد و تقابل ریشه‌ای با یکدیگر دارند،

تقسیم می‌شوند.

او این دو مقوله را عینی‌تر و از لحاظ معنایی پربارتر از آن

می‌بیند که بتوان خوب و بد یا درست و نادرست به آن دو اطلاق

کرد بنابراین آن دو را «طبقه صفات اخلاقی مثبت» و «طبقه صفات

اخلاقی منفی» نام می‌نهد.

به گمان او معیار و کمک غایی برای چنین تقسیمی اعتقاد به

خدای واحدی است که آفریننده همه موجودات است و مفتاح این

دوگانگی نیز دوگانگی بنیادی میان مؤمن و کافر است، چیزی که

در سراسر قرآن به چشم می‌آید.

این نکته بر تحول و تکامل اخلاقی اعراب بسیار مؤثر بود، چه

تا پیش از آن و در دوران جاهلیت اگر چه ارزشهای اخلاقی پذیرفته

شده‌ای وجود داشت اما آنها را هیچ اصل بنیادین منسجمی به هم

نمی‌پیوست و در حقیقت پشتوانه‌شان جز بر یک نوع عاطفه اخلاقی

غیر معقول یا احساس کور شدید نسبت به گذران زندگی، بر چیز

دیگری نبود. این نیز میراث قبیله بود که از نسلی به نسل دیگر

می‌رسید.

مجید را با مفهوم «کفر» آغاز می کند زیرا از نظر او کفر نه تنها مفهومی است در قرآن مجید، که همه صفات منفی دیگر بر محور آن می گردد بلکه دانستن ساختمان معنایی آن تقریباً لازمه دریافت درست بیشتر صفات اخلاقی مثبت در قرآن است. به نظر ایزوتسو حتی مفهوم ایمان را از طریق تجزیه و تحلیل مفهوم کفر بهتر می توان شناخت.

ایزوتسو با بررسی مواضع کاربرد کفر نشان می دهد که عنصر اصلی معنایی آن و در حقیقت جوهر کفر «ناسپاسی» است. از طرفی در مواضع دیگری از قرآن، کفر در برابر ایمان استعمال شده است و بر بی ایمانی دلالت دارد. از طرفی به اعتقاد ایزوتسو گاه دشوار است که خط قاطعی میان این دو معنا از کفر کشید زیرا در اندیشه قرآنی این دو با هم یک ارتباط ذهنی و عقلی بسیار قوی دارند.

پس از این ایزوتسو در تحقیق و تجزیه و تحلیل معنایی خود به مواضع و واژه‌هایی دست می یابد که هر یک گوشه و زاویه‌ای از مفهوم کفر را به آن معنا که قرآن مجید مراد کرده است روشن می نمایند و با آن ارتباط و داد و ستد نزدیک می یابند. مثلاً در جایی کفر، عدم اعتقاد به روز قیامت و رستاخیز است و جای دیگر معنای عدم اعتقاد به خداوند و وحی را در بردارد که در این حالت در مقابل مفهوم ایمان می نشیند. از طرفی از آنجا که کفر از هر دو جنبه عمده خود یعنی «ناسپاسی» و «بی ایمانی» به انکار وحدانیت مطلق خداوند می انجامد، طبیعتاً وجهی از آن تقریباً با شرک برابر می شود چنانکه در بعضی آیات صراحتاً به این معنا آمده است. همچنین شرک نیز از افتراء به نظر ایزوتسو چیزی کم و زیاد ندارد. (افتراء علی الله الکذب) کفر در معنای گمراهی (ضلاله) هم بکار رفته است. همچنین یکی دیگر از عناصر معنایی مهم در ساختمان معنایی مفهوم کفر «کبر» است که بر نقش آن در ساختمان کفر در قرآن مجید چنان تاکید شده که گویی تنها مشخصه کافران است و...

از طرفی ایزوتسو تصویر ارائه شده از مفهوم کفر را هنوز کامل نمی داند و برای تکمیل آن به مذاقه به روش تحلیلی بر روی واژه‌های کلیدی و مهم دیگری که پیرامون مفهوم عمده و اصلی کفر قرار گرفته اند می پردازد و این چیزی است که حوزه معنایی کفر می نامدش به نظر او واژه‌های کلیدی در این شبکه معنایی پنج است: ۱- فسق یا فسوق (با اسم فاعل فاسق) ۲- فجر یا فجور (اسم فاعلش فاجر) ۳- ظلم (اسم فاعلش ظالم) ۴- اعتداء (اسم فاعلش معتدی) ۵- اسراف (اسم فاعلش مسرف) و سپس به تجزیه و تحلیل معنایی و ارتباط هر یک با کفر می پردازد.

فصل نهم کتاب به روش آنچه در مورد واژه کفر اعمال شد، به مفهوم نفاق دینی اختصاص دارد. در فصل دهم مؤمن را از نظر قرآن معنا می کند و در فصل آخر به «خوب و بد» که از واژه‌های متعلق به سطح فرا زبان هستند می پردازد اما پیش از آن نکته‌ای را توضیح میدهد و آن اینکه چنانکه اشارت رفت در قرآن نظام پرداخته‌ای برای مفاهیم تجربیدی خوب و بد وجود ندارد بلکه واژگان قرآن کلماتی را در بر دارد که می توان آنها را

به نیک و بد ترجمه کرد. دلیل اینکه این واژه‌ها به عنوان اصطلاحات ارزشی مورد بحث قرار گرفته‌اند این است که این واژه‌ها بدون تغییر و در کاربرد واقعی عامل بار ارزشی مشخصی هستند.

کافی است اشاره شود که ایزوتسو این فصل را با بررسی واژه «صالح» که به نظر او هیچ چیز در اسلام ویژگی مفهوم خیر اخلاقی را که موقداً مفهومی دینی است بهتر از کلمه صالح بیان نمی کند، آغاز می کند و به بررسی بر، بر و تقوی بر و انفاق، بر و قسط، معروف و منکر، حسنه و سیئه و... می پردازد.

یک نکته انتقادی

در پایان بد نیست به نکته مهمی اشاره شود. ایزوتسو در جایی کفر را به معنای عدم اعتقاد به روز قیامت و رستاخیز عنوان میکند همراه شواهدی از قرآن مجید که در اصل آن سخنی نیست. اما ایزوتسو بر این معنا توضیحی می افزاید که جای حرف و سخن بسیار دارد. اما اندک آن در این مجال تنگ اینک: او می گوید: «در اینجا کافران آنها هستند که کاملاً پیرو عقل و استدلالند... بی ایمانی اینها تنها محدود به اعتقاد به قیامت و رستاخیز نیست بلکه آنها به خلش عقل مدام در هر چیزی که به نظرشان معقول نمی آید تردید می کنند. اینان شکاکان فطری هستند و خصلتی که مشخص آنان است، درست بر ضد ایمان است که از انسان می خواهد تسلیم بلا شرط در برابر فرمانهای خداوند باشد.»

اولاً آیات بسیار متعدد و فراوانی در قرآن مجید وجود دارد که انسانها را به تعقل و تفکر و استفاده از خرد انسانی دعوت میکند، بر می انگیزد و حتی در مواضعی آنان را که از این موهبت الهی بهره نمی برند در جهت شناخت خداوند و ایمان به او - که از پی آن می آید - به سخت ترین شکلی و با تعبیراتی بسیار قوی مورد عتاب قرار می دهد و مثال بارز آن این آیه شریفه است: «ان شر الدواب عندالله الصم البکم الذین لا یعقلون» که از قضا همین آیه در کتاب ایزوتسو نیز از جهت دیگری مطرح شده است و این نکته مغفول مانده است.

ثانیاً: به تصریح خود قرآن مجید در مواضع بسیار زیاد که انسانها را به آن فرا می خواند راه شناخت خداوند از طریق شناخت طبیعت و هستی امکانپذیر است و این جزء با کمک عقل و خرد انسانی متصور نیست. اما آنگاه که شناخت حاصل شد از پی آن اطمینان قلبی و در نتیجه ایمان نیز خواهد آمد. بعد از ایمان رستاخیز و معاد نیز به شکل تبدی چنانکه شیخ ابن سینا نیز می گوید، قابل پذیرش می گردد.

در هر حال به باور ما میان شک فلسفی و ایمان تضادی چنانکه ایزوتسو معتقد است، نیست و تخطئه تعقل و خرد نیز از آیات قرآنی هرگز بر نمی آید.

سخن آخر اینکه این کتاب تحقیقی ارزشمند است که برای قرآن دوستان و قرآن پژوهان جوان بسیار سودمند تواند بود.